



محدود کردن آزادی نیز از دیگر نشانه‌های وابستگی هستند (لی و چو^۱، ۲۰۱۸). فرد وابسته به دیگران تکیه کرده و از توانایی فکر و اندیشه خود استفاده نمی‌کند. او بدون فکر در تمامی امور زندگی از دیگران تقلید کرده و از آنها فرمانبرداری می‌کند. بنابراین وابستگی نوعی نیاز عاطفی و روانی به فردی دیگر است که بدون وجود او، فرد وابسته در زندگی‌اش دچار مشکل می‌شود. در واقع فرد وابسته از آن جهت به دیگران وابسته می‌شود که گمان می‌کند بدون حضور آن‌ها نمی‌تواند تعادل روانی داشته باشد (مظاهری نژاد فرد، حسین ثابت و برجلی، ۱۳۹۸). بزرگ‌ترین مشکلی که وابستگی برای انسان ایجاد می‌کند این است که مانع هویت و فردیت‌یابی می‌شود. ناتوانی در تصمیم‌گیری و عدم مسئولیت‌پذیری نیز از دیگر مشکلات همراه وابستگی افراطی به دیگران می‌باشد به نحوی که فرد وابسته در تصمیم‌گیری‌های روزمره‌اش با مشکل مواجه است. او برای تصمیم‌گیری نیاز به کسی دارد تا به او اطمینان دهد کارش درست است (فانگ، چانگ و واتسون^۲، ۲۰۱۸).

از دیگر مشکلات و اختلالات شایع اضطراب اجتماعی است. اضطراب اجتماعی ترسی مشخص و ثابت از شرم‌نده شدن یا مورد ارزیابی منفی قرارگرفتن در موقعیت‌های اجتماعی یا در زمان انجام فعالیت‌هایی در حضور دیگران است (نیلند، نولن-هوکسما، دویدو و گاربر^۳، ۲۰۱۶). اضطراب اجتماعی تابعی از شرایط و وضعیت‌های اجتماعی است که برخی از این موقعیت‌ها برای فرد تولید اضطراب شدید می‌کند. از جمله می‌توان به موقعیت‌هایی اشاره کرد که فرد مورد ارزیابی و قضاوت دیگران است؛ وضعیت‌هایی که فرد با افراد غریبه روبه‌رو می‌شود، در موقعیت‌هایی که کانون توجه قرار می‌گیرد یا اینکه در وضعیت‌های معاشرت و هم‌کلامی با جنس مخالف قرار می‌گیرد (الیوت و شاهار^۴، ۲۰۱۷). اضطراب اجتماعی معمولاً جدی گرفته نمی‌شود یا با اختلالات دیگری مثل افسردگی اشتباه گرفته می‌شود، نشانه اصلی اختلال اضطراب اجتماعی تنش و اضطراب دایمی و بیش از حد است. (شهرابی فراهانی، رفیعی پور و رضیان، ۱۳۹۷). اضطراب اجتماعی همچنین علائم جسمانی متعددی را در برمی‌گیرد که عبارتند از: انقباض یا درد ماهیچه، سردرد، تهوع، اسهال، لرزش و کشش عضلات (نوروزی، میکاییلی و عیسی زادگان، ۱۳۹۵). پژوهشگران با توجه به مدل‌های شناختی خصایص عمده‌ای را که در اختلال اضطراب اجتماعی نقش دارد، ترس افراطی و پایدار از موقعیت‌های اجتماعی، اجتناب از این موقعیت‌ها و همچنین ترس از ارزیابی منفی دانسته‌اند (پورتر، چامبلز، کافی، آلد و بربر^۵، ۲۰۱۹). بنابراین مبتلایان به بیماری اضطراب اجتماعی افکار و باورهای غلطی در ذهن خود دارند که باعث بروز استرس در موقعیت‌های اجتماعی می‌شود. انواع تفکرهای غیر مفید این افراد عبارتند از خواندن افکار دیگران (دیگران دید منفی نسبت به شخص دارند)، پیش‌بینی آینده (اتفاقات ناگواری در آینده رخ خواهد داد)، بزرگ‌بینی اتفاقات (اتفاقات بد را خیلی بزرگتر از آنچه که هست می‌پندارند) و توجه بیش از اندازه به رفتار دیگران (آنها فکر می‌کنند که دیگران رفتار آنها را زیر نظر دارند). براین اساس، اضطراب اجتماعی به ترس از موقعیت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که ناشی از ارزیابی منفی و احساس ناکارآمدی در روابط اجتماعی است (اسچوریچ، بیل و ونریکگم^۶، ۲۰۱۹). نمونه‌ای از افکار این بیماران عبارتند از "من میدانم این کار را نمی‌توانم به درستی انجام دهم" و "یا صدای من خواهد لرزید و من تحقیر خواهم شد". بی‌تردید شناسایی و سپس به چالش کشیدن این افکار منفی چه از طریق درمان اصولی و چه به صورت شخصی راهی موثر برای عقب‌راندن این بیماری و کاهش اثرات آن است (هافمن و اوتو^۷، ۲۰۱۷).

یکی از عواملی که می‌تواند وابستگی بین فردی و اضطراب اجتماعی زنان را بهبود ببخشد. از جمله این مداخلات، می‌توان به درمان هیجان‌مدار اشاره کرد. این درمان که ترکیبی از درمان تجربی و سیستمی است، ارتباط نزدیکی با کاهش مشکلات

¹ - Lee & Cho

² - Fang, Chung & Watson

³ - Kneeland, Nolen-Hoeksema, Dovidio & Gruber

⁴ - Elliott & Shahar

⁵ - Porter, Chambless, Keefe, Allred & Brier

⁶ - Scheurich, Beidel & Vanryckeghem

⁷ - Hofmann & Otto



روانشناختی در افراد دارد. فرایند درمان هیجان محور که به روش فردی اجرا می‌شود با سه مرحله پیوستگی و آگاهی، فراخوانی و کشف و بازسازی هیجانی در هشت گام تعیین می‌شود. این سه مرحله باهم همپوشی دارند و در سرتاسر درمان به مراجع به‌عنوان فرد متخصص در مورد تجربه خود و به درمانگر به‌عنوان راهنما و تسهیل گر برای اهداف مراجع نگرینسته می‌شود (جانسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). در درمان هیجان محور نظر بر این است که شیوه‌ای که افراد تجارب هیجانی را سازمان‌دهی و پردازش می‌کنند و الگوهای تعاملی که خود ایجاد کرده و تقویت می‌کنند، منجر به درماندگی زناشویی آن‌ها شده است (گرین من^۲ و جانسون، ۲۰۱۳). درمان هیجان محور با ایجاد تعاملات سازنده بین بیماران و شناسایی الگوهای دل‌بستگی ایمن باعث رضایتمندی و کاهش تحریف‌های شناختی در آنان می‌شود. این رویکرد بر تغییر رفتارهای دل‌بستگی به‌عنوان ابزاری برای بهبود روابط آشفته تمرکز می‌کند (گرین من و جانسون، ۲۰۱۳). هدف درمان هیجان محور کمک به مراجعان در دستیابی به هیجان‌های نهفته و تسهیل تعاملات مثبتی است که در دسترس بودن و اعتماد بین درمان هیجان محور گزارش کردند که مراجعانی که آموزش زوج‌درمانی هیجان محور را دیده بودند، در مقایسه با گروه کنترل، بیشتر تمایل داشتند تا اطرافیان‌شان را ببخشند. که این عامل، باعث افزایش رضایت و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها شده بود. همچنین آدامسون^۳ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان زوج‌درمانی هیجان محور برای زوجینی که همسرشان سرطان سینه دارند، همراه با پایه تئوری و مطالعه موردی توصیفی، بیان می‌کند در زوج‌هایی که همسر بیمار دارد، زن و شوهر هر دو، آشفته‌گی هیجانی زیادی را تجربه می‌کنند. در نتیجه رابطه چنین زوجینی و همچنین سلامت بیمار به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نتیجه این پژوهش نشان داد زوج‌درمانی هیجان محور باعث کاهش آشفته‌گی هیجانی و افزایش رضایت و کیفیت زندگی زناشویی در این زوجین شده است. همچنین نتایج پژوهش سلطانی و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که زوج‌درمانی هیجان محور باعث کاهش آشفته‌گی زوجین می‌شود. در واقع بررسی هیجان و عواطف در عرصه روان‌شناسی امروز جایگاه وسیعی را به خود اختصاص داده است. ارتباط هیجان با ویژگی‌های شخصیتی، اختلال‌ها، نظام پردازش اطلاعات شناختی، ارتباط‌های بین فردی یافته‌های بی‌بدیلی را فرا روی جهان بشری قرار داده است. چگونگی تغییر احساس افراد در خلال زمان را می‌توان به منزله مسیریابی در فضای هسته عاطفی ترسیم کرد. سرکوب کردن انواع عواطف خطرناک است و پس از مدتی به شکل انفجاری و غیرقابل کنترل تخلیه خواهند شد. ابراز عواطف به شکل صحیح می‌تواند مانع بسیاری از بیماری‌ها و مشکلات گردد.

این پژوهش می‌تواند برای مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی دارای نتایج کاربردی است. چرا که در صورت موثر بودن آموزش درمان هیجان مدار بر اضطراب اجتماعی و وابستگی بین فردی می‌توان از این آموزش برای بهبود اضطراب اجتماعی و وابستگی بین فردی در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی استفاده کرد تا از این طریق به تحکیم بنیان خانواده و ثبات زناشویی زنان متأهل کمک کرد. همچنین این پژوهش به دلیل فراهم آوردن دانش و شناخت لازم در این خصوص و با امید به این که نتایج حاصل از تحقیق بتوان در جهت افزایش توانمندی‌ها و کیفیت روابط زناشویی زنان متأهل راهکار مناسبی ارائه دهد، حائز اهمیت است. لذا اینجام این پژوهش دارای اهمیت و ضرورت است و نتایج کاربردی برای روانشناسان، مشاوران و خانواده درمانگران دارد. با توجه به آنچه گفته شد و نبود مطالعه‌ای که اثربخشی درمان هیجان مدار بر اضطراب اجتماعی و وابستگی بین فردی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز سلامت را نشان داده باشد، در جهت رفع این خلا پژوهشی این سوال مطرح می‌شود: درمان مبتنی بر هیجان بر اضطراب اجتماعی و وابستگی بین فردی زنان مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت چه تاثیری دارد؟

روش‌شناسی

¹ - Johnson

² - Greenman

³ - Adamson



روش مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش-آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و گمارش تصادفی آزمودنی‌ها بود. جامعه آماری این تحقیق را کلیه زنان مراجعه کننده به کلینیک‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند. در این پژوهش حجم نمونه شامل ۴۰ آزمودنی است که به روش نمونه گیری خوشه ای تک مرحله ای مرکز کلینیک سلامت در منطقه پاسداران انتخاب و پس از اجرای پیش آزمون به صورت تصادفی در دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و کنترل قرار داده شدند. کارگاه‌ها در ۸ جلسه، هفته‌ای یک بار به مدت ۹۰ دقیقه برگزار شد. جلسات درمان هیجان مدار در جدول (۱) ارائه شده است.

ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه اضطراب اجتماعی کانور و همکاران (۲۰۰۰) و پرسشنامه وابستگی بین فردی هرشفیلد و همکاران (۱۹۷۷) بود. پرسشنامه اضطراب اجتماعی کانور و همکاران (۲۰۰۰): پرسشنامه هراس اجتماعی نخستین بار توسط کانور و همکاران (۲۰۰۰) به منظور ارزیابی هراس اجتماعی تهیه گردید. پرسشنامه ی هراس اجتماعی یک مقیاس خود سنجی ۱۷ ماده ای است که دارای سه مقیاس فرعی ترس (۶ ماده)، اجتناب (۷ ماده) و ناراحتی فیزیولوژیک (۴ ماده) است و در آن هر ماده بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه ای (۰ = به هیچ وجه، ۱ = کم، ۲ = تا اندازه ای، ۳ = زیاد و ۴ = خیلی زیاد) درجه بندی می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده برای تفسیر نمرات، نقطه ی برش ۴۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۰ درصد و نقطه برش ۵۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۹ درصد، افراد مبتلا به هراس اجتماعی را از افراد غیر مبتلا متمایز می‌کند (کانور و همکاران، ۲۰۰۰). تلویحات بالینی این پرسشنامه بیانگر آن است که در سه حیطه ی علائم بالینی ترس، اجتناب و علائم فیزیولوژی اطلاعاتی را ارائه می‌کند و دارای مزیت های عملی کوتاه بودن، سادگی و آسانی نمره گذاری می‌باشد. این ابزار با دارا بودن ویژگی های با ثبات روان سنجی، می‌تواند به عنوان یک ابزار معتبر برای سنجش شدت علائم هراس اجتماعی به کار می‌رود. به علاوه می‌تواند به عنوان یک ابزار غربالگری و برای آزمون پاسخ به درمان در اختلال هراس اجتماعی کاربرد داشته باشد و در نهایت این مقیاس می‌تواند درمان های با کارایی متفاوت را از هم تمیز دهد (کانور و همکاران، ۲۰۰۰). این پرسشنامه از اعتبار و روایی بالایی برخوردار است. اعتبار آن با روش باز آزمایی در گروههایی با تشخیص اختلال هراس اجتماعی برابر با ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ بوده و ضریب همسانی درونی آن (آلفای کرونباخ) در یک گروه بهنجار ۰/۹۴ گزارش شده است. همچنین برای مقیاس های فرعی ترس ۰/۸۹، اجتناب ۰/۹۱ و ناراحتی فیزیولوژیکی ۰/۸۰ گزارش شده است. پرسشنامه وابستگی بین فردی^۱ هرشفیلد و همکاران (۱۹۷۷): این پرسشنامه در سال ۱۹۷۷ توسط هرشفیلد و همکاران^۲ ساخته شده و یکی از پرکاربردترین آزمون ها جهت ارزیابی وابستگی است. این ابزار با هدف ارزیابی افکار، رفتار و احساسات مربوط به داشتن رابطه صمیمی با افراد مهم زندگی ساخته شده است. این پرسشنامه بر اساس نظریات روان تحلیل گری، یادگیری اجتماعی و دلبستگی که بر نقش وابستگی افراطی در پدید آیی طیف گسترده ای از اختلالات عاطفی و رفتاری تأکید دارند تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۴۸ سؤال است که در یک مقیاس ۴ درجه ای لیکرت بصورت ۱ = اصلاً، ۲ = کمی، ۳ = تقریباً، ۴ = کاملاً نمره گذاری می‌شود. این آزمون دارای سه زیر مقیاس می‌باشد که عبارتند از اتکا عاطفی به دیگران، کمبود اعتماد به نفس و عدم استقلال. برای بدست آوردن نمره هر مقیاس باید نمرات سوالات مربوط به آن مقیاس را با یکدیگر جمع کرد. به منظور هنجاریابی پرسشنامه وابستگی بین فردی این آزمون بر روی ۵۳ گروه اجرا شده است. گروه اول متشکل از ۸۸ دانشجوی مرد و ۱۳۲ دانشجوی زن با میانگین سنی ۲۴ سال بوده است. گروه دوم شامل ۷۶ بیمار روانی مرد و ۱۰۴ بیمار روانی زن است. گروه سوم نیز متشکل از ۱۹ بیمار روانی مرد و ۴۷ بیمار روانی زن (میانگین سنی ۳۱) و ۶۴ مرد و ۵۷ زن سالم از لحاظ روانی (میانگین سنی ۴۱) بوده است. پرسشنامه وابستگی بین فردی از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. ضریب پایایی حاصل از روش دو نیمه کردن آن ۰/۷۲ تا ۰/۹۱ گزارش شده است (هیرشفیلد و همکاران، ۱۹۷۷). همچنین یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که این مقیاس با سایر ارزیابی‌های خودگزارشی وابستگی، همبستگی دارد

^۱ interpersonal dependency scale

^۲ - Hirshfield



(هیرشفلد و همکاران، ۱۹۸۳)، پریتچارد و یالچ (۲۰۰۹) نیز در بررسی پایایی این پرسشنامه با روش دو نیمه کردن برای سه عامل اتکای عاطفی به دیگران، کمبود اعتماد بنفس و عدم استقلال به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۴ و با روش آلفای کرونباخ نیز به ترتیب ضرایب ۰/۶۶، ۰/۶۲ و ۰/۵۸ را بدست آوردند. قلی زاده و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی ویژگی های روانسنجی این آزمون، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳۲ را بدست آوردند.

جدول ۱. جلسات درمان هیجان محور برگرفته از گرینبرگ و گلر (۲۰۱۲)

جلسه	عناوین
اول	اجرا پیش آزمون، آشنایی و برقراری رابطه درمانی، آشنایی با قوانین کلی درمان، ارزیابی ماهیت مشکل و رابطه، ارزیابی اهداف و انتظارات مراجعان از درمان
دوم	تشخیص چرخه تعاملی منفی و ایجاد شرایطی که مراجعان چرخه تعاملی منفی خود را آشکار می کنند. ارزیابی رابطه و پیوند دلبستگی بیماران، آشنایی بیماران با اصول درمان هیجان مدار و نقش هیجانات در تعاملات بین فردی، بازسازی تعاملات و افزایش انعطاف پذیری مراجعان
سوم	شکل دهی دوباره به مشکل برحسب احساسات زیربنایی و نیازهای دلبستگی، تأکید بر توانایی مراجع در بیان هیجانات و نشان دادن رفتارهای دلبستگی به مراجع، آگاهی دادن به مراجعان در مورد تأثیر ترس و ساختارهای دفاعی خود بر فرایندهای شناختی و هیجانی، توصیف چرخه دریافت و زمینه دلبستگی
چهارم	ترغیب به شناسایی نیازهای طردشده و جنبه هایی از خود که انکار شده است. جلب توجه مراجعان به شیوه تعامل با یکدیگر و انعکاس الگوهای تعاملی آن ها با احترام و همدلی، بیان نیازهای دلبستگی و شناسایی نیازهای انکار شده و افزایش پذیرش
پنجم	آگاه کردن افراد از هیجانات زیربنایی و آشکارسازی جایگاه هر مراجع در رابطه، تأکید بر پذیرش تجربیات و بیماران و راه های جدید تعامل، ردگیری هیجانات شناخته شده، برجسته سازی و شرح دوباره نیازهای دل بستگی و اشاره به سالم و طبیعی بودن آن ها
ششم	آسان سازی بیان نیازها و خواسته ها و ایجاد درگیری هیجانی، توسعه تجربه هیجانی اولیه در زمینه دلبستگی و شناخت نیازها و تعلقات درونی، ایجاد دلبستگی های جدید با پیوندی ایمن بین مراجعان
هفتم	ایجاد موقعیت های تعاملی جدید بین بیماران و پایان دادن به الگوهای تعاملی کهنه، شفاف سازی الگوی تعاملی، یادآوری نیازهای دلبستگی
هشتم	تقویت تغییراتی که طی درمان صورت گرفته است. برجسته کردن تفاوت هایی که بین تعاملات فعلی و تعاملات قدیمی ایجاد شده است. شکل گیری رابطه بر اساس پیوندی ایمن به گونه ای که بحث درباره مشکلات و جستجوی راه حل های آسیمی به آن ها وارد نسازد، ارزیابی تغییرات و اجرای پس آزمون

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS22 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت.

یافته ها

در این بخش با توجه به همسانی واریانس نمرات و نرمال بودن توزیع نمرات و حجم مساوی گروه آزمایش و کنترل برای آزمون معناداری تفاوت مشاهده شده بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون و کنترل اثر نمره ها پیش آزمون از تحلیل کوواریانس استفاده شد. در جدول ۲ آزمون تحلیل کوواریانس آمده است.

جدول ۲. خلاصه آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره جهت اثربخشی درمان هیجان مدار در اضطراب اجتماعی

اثرات	لانداي	F	درجه آزادی	درجه	سطح	حجم	توان
-------	--------	---	------------	------	-----	-----	------

ویلز	فرض شده	آزادی خطا	معنی داری	اثر	آزمون
۰/۵۸	۲	۳۵	۰/۰۱	۰/۴۲	۰/۹۹

چنانکه اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد، شاخص لانداوی ویلز در سطح ۰/۰۱ معنی دار است ($Wilks\ Lambda = 0.58$)، $F=12.7$ ، $P=0.01$ ، $\eta^2 = 0.42$ ، به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که در مجموع، تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود دارد؛ بنابراین به منظور اطلاع از اینکه تفاوت بین گروه‌ها مربوط به کدامیک از مولفه‌های "اضطراب اجتماعی" است، از تحلیل تک متغیری با تصحیح خطای نوع اول به شیوه بونفرونی استفاده گردید، در این شیوه برای کنترل خطای نوع اول سطح معنی داری آزمون فرضیه‌ها برابر با ۰/۰۲۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۳. تحلیل کوواریانس یک راهه بین آزمودنی جهت بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار بر مولفه‌های اضطراب اجتماعی

منبع تغییر	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر
گروه	درک و ترس از ارزیابی منفی	۲۷۱/۷	۱	۲۷۱/۷	۱۲	۰/۰۱	۰/۲۵۰
	تنش و بازداری در برخورد اجتماعی	۱۹۷/۹	۱	۱۹۷/۹	۱۱/۴	۰/۰۱	۰/۲۴۰
خطا	درک و ترس از ارزیابی منفی	۸۱۴/۷	۳۶	۲۲/۶			
	تنش و بازداری در برخورد اجتماعی	۶۲۵/۳	۳۶	۱۷/۴			
کل	درک و ترس از ارزیابی منفی	۹۹۶/۰	۴۰				
	تنش و بازداری در برخورد اجتماعی	۲۳۵/۸	۴۰				

بر اساس اطلاعات جدول ۳، با احتساب آلفای میزان شده بونفرونی (۰/۰۲۵) در هر دو مولفه‌ی "اضطراب اجتماعی" تفاوت معناداری بین گروه‌ها، وجود دارد؛ به طوری که اطلاعات جدول ۳ نیز نشان می‌دهد میانگین "درک و ترس از ارزیابی منفی" و "تنش و بازداری در برخورد اجتماعی" زنانی که تحت "درمان هیجان مدار" قرار گرفته‌اند، کاهش داشته است، بنابراین با رد فرضیه صفر می‌توان نتیجه گرفت که درمان هیجان مدار موجب کاهش اضطراب اجتماعی زنان مراجعه کننده به کلینیک-های سلامت می‌شود. اندازه اثر نیز حاکی از آن است که تقریباً ۲۵ درصد از واریانس "درک و ترس از ارزیابی منفی" آزمودنی‌ها از طریق انتساب به گروه‌ها قابل تبیین است. این رقم در خصوص "تنش و بازداری در برخورد اجتماعی" به ۲۴ درصد می‌رسد.

جدول ۴. خلاصه آزمون تحلیل واریانس چند متغیره جهت بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار بر وابستگی

میان فردی

اثرات	لانداوی ویلز	F	درجه آزادی فرض شده	درجه آزادی خطا	سطح معنی داری	حجم اثر	توان آزمون
گروه	۰/۳۵	۲۰/۹	۳	۳۳	۰/۰۱	۰/۶۵۵	۱



بر اساس اطلاعات جدول ۴ شاخص لاندای ویلکز در سطح ۰/۰۱ معنی دار است ($F=20/9$ ، Wilks Lambda = ۰/۳۵). این نتیجه بدان معنی است که دست کم در ترکیب یکی از میانگین‌ها، تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود دارد؛ بنابراین به منظور اطلاع از اینکه پراش در کدامیک از متغیرهای وابسته، منجر به معنی‌داری لاندای ویلکز شده است، از تحلیل تک متغیری با تصحیح خطای نوع اول به شیوه بونفرونی استفاده گردید.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس یک راهه بین آزمودنی جهت بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار بر مولفه های وابستگی میان فردی

منبع تغییر	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
گروه	انکاء عاطفی به دیگران	۲۱۱/۰۴	۱	۲۱۱/۰۴	۱۰/۲	۰/۰۱	۰/۲۲۶
	کمبود اعتماد به نفس	۲۳۸/۹	۱	۲۳۸/۹	۱۴/۸	۰/۰۱	۰/۲۹۷
	عدم استقلال	۲۱۰/۲	۱	۲۱۰/۲	۱۶/۱	۰/۰۱	۰/۳۱۵
خطا	انکاء عاطفی به دیگران	۷۲۲/۶	۳۵	۲۰/۶			
	کمبود اعتماد به نفس	۵۶۵/۴	۳۵	۱۶/۲			
	عدم استقلال	۴۵۶/۷	۳۵	۱۳/۰۵			
کل	انکاء عاطفی به دیگران	۶۵۰۴۶	۴۰				
	کمبود اعتماد به نفس	۹۷۶۷۸	۴۰				
	عدم استقلال	۴۱۸۹۷					

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که حتی با احتساب آلفای میزان شده بنفرونی (۰/۰۱۲) در هر سه مولفه، یعنی: "انکاء عاطفی به دیگران"، "کمبود اعتماد به نفس" و "عدم استقلال" تفاوت معناداری بین گروه‌ها، وجود دارد؛ مقایسه اطلاعات جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که نمرات مولفه های "وابستگی میان فردی" زنانی که تحت "درمان هیجان مدار" قرار گرفته اند، به طور معنی داری کاهش یافته است. از این روی می‌توان فرضیه صفر را رد کرده و ادعا که: درمان هیجان مدار موجب کاهش وابستگی میان فردی زنان مراجعه کننده به کلینیک‌های سلامت شده است. بالاترین اندازه اثر نیز متعلق به "عدم استقلال" است (۰/۳۱۵)، یعنی حدود ۳۱/۵ درصد از واریانس "عدم استقلال" آزمودنی‌ها وابسته به "درمان هیجان مدار" است. این رقم در مورد مولفه های "انکاء عاطفی به دیگران" و "کمبود اعتماد به نفس"، به ترتیب به ۲۲/۶ و ۲۹/۷ درصد می‌رسد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی درمان هیجان مدار بر اضطراب اجتماعی و وابستگی بین فردی زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت انجام شد. نتایج نشان داد که درمان هیجان مدار باعث کاهش اضطراب اجتماعی در زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شد. نتایج پژوهش با یافته های شاهار و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر اثربخشی درمان هیجان مدار بر اضطراب اجتماعی همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که درمان هیجان مدار باعث کاهش اضطراب اجتماعی در افراد می‌شود. همچنین نتایج پژوهش با یافته های مرواریدی و همکاران (۲۰۱۹)، دو روچر و پیکرینگ (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان چنین بیان نمود، درمان هیجان مدار، با تاکید و نشانه گذاری بر رفتارها، افکار و هیجانات منفی به



صورت مرحله به مرحله، هیجانات ناسازگار افراد را شناسایی می کند و در نهایت با روش ها و تکنیک هایی سعی در عوض کردن آنها دارد. از آنجایی که در این درمان توجه زیادی به هیجانات حل نشده و پذیرفته نشده دارد، توانست نقش بسزایی در کاهش هیجانات ناسازگار افراد در اضطراب اجتماعی داشته باشد و باعث بهبود روابط بین فردی گردد. در این درمان افراد یاد می گیرند که چگونه بتوانند طیف هیجانات خود و سایرین را شناسایی کنند و بتوانند آن را تعدیل و مدیریت کنند. یکی از مواردی که در اکثریت افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی مشاهده می شود، هیجانات منفی شدید است. همچنین این افراد معمولاً به دلیل احساس شرم و خجالت و خشم ناشی از ظاهر نشدن در اجتماع دارند بخشی از هیجانات ناسازگار در این افراد می تواند از طریق شناسایی، بیان شدن و جایگزین شدن تغییر یاب. به افراد یاد داده می شود که هیجانات خود را شناسایی کنند و بتوانند آنها را برچسب بزنند که این بسیار برای شناسایی هیجانات ناسازگار کمک کننده است، برای مثال از آنها خواسته می شو رویداد آزار دهنده را بنویسند و هیجانات مرتبط با آن را نیز بنویسند و همچنین بیان کنند که چه هیجانات دیگری را نیز می توانند در آن شرایط بروز بدهند. این تکالیف به آنها کمک می کند تا یاد بگیرند که هیجانات ناسازگار خود را ک نار بگذارند و هیجان مناسب تری را جایگزین کنند. در طول جلسات، درمانگر با همدلی که با مراجع دارد به حس اعتماد او کمک می کند و باعث به روی کار آمدن هیجانات بیان نشده و فروخورده می شود، که می توان از طریق انعکاس به موقع نیز به درمانجو حس پذیرفته شدن و شنیده شدن را القا کرد. همچنین با استفاده از تکنیک های مانند معترسازای به درمانجو نشان داده می شود که پاسخ های هیجانی شان پذیرفتنی است، که به آنها نشان می دهد که تجارب بلوکه شده را می توانند به دور از قضاوت و سرزنشگری بیان کنند.

همچنین نتایج نشان داد که درمان هیجان مدار باعث کاهش وابستگی بین فردی در زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شده است. نتایج پژوهش با یافته های مظاهری نژاد فرد و همکاران (۱۳۹۸)، شریفی و همکاران (۱۳۹۷) و بالندری (۱۳۹۵) همسو می باشد. یکی از مسائل مهم در مورد وابستگی بین فردی، نداشتن انگیزه و اعتماد و استقلال برای ادامه زندگی است. غالباً افرادی که در زندگی خود کمبود اعتماد به نفس، عدم استقلال و اتکا عاطفی شدید به دیگران دارند، دچار فقدان انگیزه و امید به آینده و زندگی می شوند. همچنین برای مراجعان رو به رو شدن با تجربیات تلخ نیز غالباً دردناک است. در درمان هیجان مدار وظیفه درمانگر این است که بتواند یک رابطه مناسب و کارآمدی را ایجاد کند تا بتواند از طریق حس اعتماد درمانجو، آموزش هایی را برای تنظیم هیجان داشته باشد. یکی از مشکلات شایع در افرادی که از وابستگی بین فردی شدید رنج می برند، فقدان اعتماد به نفس است که باعث ایجاد افسردگی و کاهش امید به زندگی می شود که می تواند ناشی از هیجانات حل نشده و ابراز نشده به طرف مقابل باشد، افرادی که فقدان اعتماد به نفس و استقلال دارند، برای به دست آوردن اعتماد، باید ابتدا بتوانند، هیجان های ابراز نشده را به کمک تکنیک های درمان هیجان مدار ابراز کنند و با کنار آمدن با هیجانات، نگرش تازه ای به ادامه زندگی داشته باشند. برای مثال از درمانجویان خواسته می شود تا تجربه دردناک یا احساس بد خود را بیان کنند و چون در محیط گروهی بیان می شود، این احساس که تنها نیستند و افراد دیگری هم مشکل مشابهی را دارن تا حدودی می تواند بار هیجانی ناشی از وابستگی بین فردی شدید را برای آنها کم کند. در نهایت، مراجع از طریق آگاهی از هیجانات، بیان هیجانات تازه، تنظیم هیجانات و ابراز هیجان مناسب، با استفاده از تکنیک هایی چون القای هیجان، برچسب زندی هیجانی، شدت بخشی، به ادراک تازه ای از خویش دست می یابد و توانایی کنار آمدن با هیجانات را در خارج از جلسات درمان پیدا می کند. این افراد یاد می گیرند که می توانند ر مواقع نیاز هیجانات خود را ابراز کنند و گاهی بتوانند آنها را کنترل کنند، می تواند از احساسات منفی آنها نسبت به رویداد کم کند و آن را قابل هضم نماید. در واقع نحوه مدیریت هیجان ها چه قبل رویداد، چه در زمان رویداد و چه بعد آن بسیار حائز اهمیت است.

از آنجا که پژوهش حاضر در میان زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شهر تهران صورت گرفته در خصوص تعمیم نتایج بایستی با احتیاط عمل شود و از تعمیم نتایج به زنان در دیگر شهرها خودداری شود. این پژوهش می توانست هم به صورت کمی و کیفی (ترکیبی) انجام شود، اما به دلیل نبود شرایط مصاحبه این امکان در پژوهش حاضر مهیا نبود و یکی از موانع و



محدودیت های پژوهش این مورد بود. حجم نمونه پژوهش محدود به زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شهر تهران بوده است، برای رفع این محدودیت پژوهش های مشابه در دیگر شهرها و فرهنگ های دیگر نیز اجرا شود. در پژوهش های آینده از طرح های ترکیبی (کمی و کیفی)، حجم نمونه بالاتر و روش های پیچیده تر آماری که امکان تحلیل عمیق تر و نتیجه گیری بهتر را فراهم می کنند، استفاده شود. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، با در نظر گرفتن مرحله پیگیری، آموزش درمان هیجان مدار در طول زمان بررسی شو تا ماندگاری نتایج مشخص شود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبتنی بر اثربخشی درمان هیجان مدار به مراکز مشاوره پیشنهاد می شود روانشناسان و مشاوران مراکز خدمات درمانی و مشاوره از این رویکرد در جهت ارتقای کیفیت روابط زناشویی زنان متاهل استفاده کنند و برای مراجعان به صورت دوره ای، کلاس ها و کارگاه های آموزشی با محوریت درمان هیجان مدار برگزار گردد تا بدین طریق گامی در جهت ارتقای کیفیت روابط زناشویی در آنها برداشته شود.

منابع

- بالندری، الهام. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر روابط موضوعی با گروه درمانی هیجان مدار بر کیفیت روابط موضوعی و هم وابستگی زنان افسرده. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریفی، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ جزایری، رضوان سات؛ اعتمای، عذرا و فاتحی زاده، مریم سادات. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان تلفیقی تحلیل تبادلی و ذهن آگاهی بر سازگاری زناشویی زنان دارای وابستگی بین فردی. فصلنامه زن و جامعه، ۹ (۴)، ۱۷۷-۱۹۶.
- شهرابی فراهانی، هانیه؛ رفیعی پور، امین و رضیان، شیمیا. (۱۳۹۷). بررسی نقش جنسیت در اضطراب اجتماعی. نشریه رویش روانشناسی، ۷ (۱۰)، ۲۴۳-۲۵۳.
- مظاهری نژاد فرد، گلناز؛ حسین ثابت، فریده و برجعلی، احمد. (۱۳۹۸). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر وابستگی بین فردی و کنترل عمل افراد مبتلا به اختلال شخصیت وابسته. مجله پژوهش های کاربردی روانشناختی، ۱۰ (۳)، ۱۷۶-۱۶۱.
- نوروزی، مرصده؛ میکایلی، فرزانه و عیسی زادگان، علی. (۱۳۹۵). شیوع شناسی اختلال اضطراب اجتماعی در دانشجویان دانشگاه ارومیه. مجله پزشکی ارومیه، ۲۷ (۲)، ۱۶۶-۱۵۵.
- Adamson, N. A. (2013). Emotionally focused therapy with couples facing breast cancer: a theoretical foundation and descriptive case study. *Journal of psychosocial oncology*, 31(6), 712-726.
- Avcı Çayır, G., & Kalkan, M. (2018). The effect of interpersonal dependency tendency on interpersonal cognitive distortions on youths. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 28(6), 771-786.
- Bornstein, R. F. (2016). Interpersonal dependency.
- Du Rocher, A. R., & Pickering, A. D. (2019). The effects of social anxiety on emotional face discrimination and its modulation by mouth salience. *Cognition and Emotion*, 33(4), 832-839.
- Elliott, R., & Shahar, B. (2017). Emotion-focused therapy for social anxiety (EFT-SA). *Person-Centered & Experiential Psychotherapies*, 16(2), 140-158.
- Fang, S., Chung, M. C., & Watson, C. (2018). The impact of posttraumatic stress symptoms, posttraumatic stress cognitions and interpersonal dependency on psychological co-



- morbidities following relationship dissolution among college students. *Journal of Mental Health*, 27(5), 424-431.
- Greenman, P. S., & Johnson, S. M. (2013). United we stand: Emotionally focused therapy for couples in the treatment of posttraumatic stress disorder. *Journal of clinical psychology*, 68(5), 561-569.
- Hofmann, S. G., & Otto, M. W. (2017). *Cognitive behavioral therapy for social anxiety disorder: Evidence-based and disorder specific treatment techniques*. Routledge.
- Kneeland, E. T., Nolen-Hoeksema, S., Dovidio, J. F., & Gruber, J. (2016). Emotion malleability beliefs influence the spontaneous regulation of social anxiety. *Cognitive Therapy and Research*, 40(4), 496-509.
- Lee, H. Y., & Cho, Y. C. (2018). Validation of casual model for the effect of academic stress, anxiety, interpersonal dependency and hopelessness on depression in female high school students. *Journal of the Korea Academia-Industrial cooperation Society*, 19(1), 208-217.
- Morvaridi, M., Mashhadi, A., Shamloo, Z. S., & Leahy, R. L. (2019). The effectiveness of group emotional schema therapy on emotional regulation and social anxiety symptoms. *International Journal of Cognitive Therapy*, 12(1), 16-24.
- Myloslavska, O. V. (2018). Interpersonal dependence and differential types of reflection in students—boys and girls. *Law and Safety*, 71(4), 111-117.
- Porter, E., Chambless, D. L., Keefe, J. R., Allred, K. M., & Brier, M. J. (2019). Social anxiety disorder and perceived criticism in intimate relationships: Comparisons with normal and clinical control groups. *Behavior therapy*, 50(1), 241-253.
- Scheurich, J. A., Beidel, D. C., & Vanryckeghem, M. (2019). Exposure therapy for social anxiety disorder in people who stutter: An exploratory multiple baseline design. *Journal of fluency disorders*, 59, 21-32.
- Shahar, B., Bar-Kalifa, E., & Alon, E. (2017). Emotion-focused therapy for social anxiety disorder: Results from a multiple-baseline study. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 85(3), 238.
- Soltani, M., Shairi, M. R., Roshan, R., & Rahimi, C. R. (2014). The impact of emotionally focused therapy on emotional distress in infertile couples. *International journal of fertility & sterility*, 7(4), 337.



The Effectiveness of Emotion-Based Therapy on Social Anxiety and Interpersonal dependence of Women Referred to Health Houses

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of emotion-based therapy on social anxiety and interpersonal dependence of women referring to health homes. The method of this study was quasi-experimental with pretest-posttest design and control group. The statistical population of the study consisted of all women referred to health clinics in Tehran in 1398. The statistical sample of this study consisted of 40 individuals who were selected as single stage cluster sampling and then were divided into experimental (20) and control (20) groups and the experimental group received 8 sessions of emotion-based treatment. And the control group remained on the waiting list. Data were collected based on social anxiety (Connor et al., 2000) and interpersonal dependency scale (Hirschfield et al., 1977). Data analysis was performed by SPSS software in two descriptive and inferential parts (covariance). The findings showed that emotion-based therapy reduced the level of social anxiety and interpersonal dependence in women referring to health clinics. Based on the findings of this study, it can be said that emotion-focused therapy as a unique approach, in addition to being effective in treating personality disorders, can be useful in treating other mental disorders as well.

Keywords: Social anxiety, Interpersonal dependence, Emotional therapy

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی